



Research Article

New Higher Education Research and Knowledge , 1 (4), 2024

A Comparative Analysis of the Legal Status of the Islamic Seminary and the University in the Educational System of the Islamic Republic of Iran and Its Institutional Consequences

Seyyed Reza Hosseini Mazandarani^a, Alireza Nasirian^{b*}

^a. Mujtahid and Professor of Advanced Islamic Jurisprudence, Center for the Management of Islamic Seminaries, Seminary of Shahr-e Rey, Iran,

^b. Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

Comparative, Law, Seminary, University, Educational System, Iran



Received:

03 December 2024

Received in revised form:

01 January 2025

Accepted:

02 February 2025

Published:

19 February 2025

Pp. 29-41

Background and Objectives: The Islamic Republic of Iran’s educational system is based on two main institutions: the seminary and the university, each of which plays a key role in training human resources, producing knowledge, and shaping the country's socio-cultural discourse.

Methodology: This research was conducted using a qualitative method and a comparative-analytical approach. Two main methods were used to collect data: first, document analysis, which included reviewing laws, regulations, and upstream documents such as the constitution, the statutes of the seminary and the university, the policies of the Supreme Council of the Cultural Revolution, and the country's comprehensive scientific map. These documents were subjected to qualitative content analysis using MAXQDA software. Second, semi-structured interviews were conducted with a purposive sample of 18 university professors in the fields of law, jurisprudence, and higher education, seminary administrators, and high-level students of the seminaries of Qom and Mashhad. After implementation, the interviews were examined using the content analysis method.

Findings: The results indicated profound structural and functional differences between seminaries and universities in the Iranian educational system. On the one hand, seminaries, relying on jurisprudential tradition and historical independence, have a self-founded system that relies on religious aspects, the legitimacy of which is rooted in religious authority. On the other hand, universities operate within the government laws and global scientific standards framework and are subject to official supervisory systems.

Conclusion: The results showed that the structural and functional differences between seminaries and universities in Iran, while maintaining the diversity and independence of these institutions, have created important challenges in harmonizing the educational system. Seminaries, by maintaining their traditional and self-founded structure, have remained the center of production and promotion of religious knowledge, while universities, by linking to the international scientific system, play a pivotal role in the scientific development of the country.

Citation: Hoseini Mazandarani, S. R. and Nasirian, A. (2025). A Comparative Analysis of the Legal Status of the Islamic Seminary and the University in the Educational System of the Islamic Republic of Iran and Its Institutional Consequences. *Knowledge and Research in New Higher Education*, 1(4), 29-41.

<http://NHERK/nherk.2025.544977.1012>

* Corresponding author (Email: Alirezanasirian871@gmail.com)

Copyright © 2023 The Authors. Published by Alim-e-Nour Publication. This is an open access article.



مقاله پژوهشی

تحلیل تطبیقی جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی

ایران و پیامدهای نهادی آن

وحید قاسمی^۱، علیرضا نصیریان^{۲*}

۱. مجتهد و استاد درس خارج، مرکز مدیریت حوزه علمیه، حوزه علمیه شهر ری
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

واژگان کلیدی:

تطبیقی،
حقوق،
حوزه علمیه،
دانشگاه،
نظام آموزشی،
ایران

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۲/۰۱

ص. ۴۱-۲۹

MAXQDA

استناد: حسینی مازندرانی، سید رضا و نصیریان، علیرضا. (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای نهادی آن. *دانش و پژوهش در آموزش عالی نوین*, ۱(۴), ۲۹-۴۱.

doi <http://NHERK/NHERK.2025.544977.1012>

Email: Alirezanasirian871@gmail.com

*نویسنده مسئول:

مقدمه

نهادهای آموزشی، رکن بنیادین توسعه انسانی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند. در جمهوری اسلامی ایران، دو نهاد علمی مستقل اما مؤثر، یعنی دانشگاه و حوزه علمیه، نقش کلیدی در شکل‌دهی به ساختار دانایی، گفت‌وگوهای تربیتی و تربیت‌نخبگان ایفا می‌کنند. با وجود برخی شباهت‌ها در کارکردهای آموزشی و تربیتی، این دو نهاد از حیث جایگاه حقوقی، ساختار نهادی و ارتباط با حاکمیت تفاوت‌های اساسی دارند که نیازمند تحلیل تطبیقی و دقیق است و وجود دین اسلام در جامعه به عنوان یک نظام و یک ایدئولوژی و جهانبینی حاکم، موهون روحانیت حوزه‌های علمیه می‌باشد. این قشر اسلام را به خوبی می‌شناسد و می‌تواند به درستی به جامعه معرفی کند. اسلام چیزی نیست که خود به خود به مردم معرفی شود، بلکه اسلام شناسان باید آن را معرفی کنند. به دلیل اینکه هر چیزی ارزشمند تر باشد، بیشتر مورد دشمنی واقع می‌شود و از دشمنی‌های بسیاری که در طول تاریخ با نهاد مقدس حوزه‌های علمیه صورت گرفته است، می‌توان این مسئله را به روشنی فهمید. از این رو برای اینکه جامعه در مسیر خود، جهت صحیحی داشته باشد و دچار انحراف نشود، ضروری است همواره کارشناسان دینی و مذهبی، مسیر جامعه را تصحیح کنند و معارف صحیح را در دسترس اجتماع قرار دهند. این امر مهم، وظیفه روحانیت است که باید نظام ارزشی اسلام از جمله معارف اسلامی را به شکل صحیح به جهانیان عرضه کند. در این راستا حوزه‌های علمیه شیعی، نقش بسیار مؤثر و ماندگاری را در حوزه علم و پژوهش ایفا کردند و در این زمینه رنج‌های بی‌شماری را تحمل کرده و دستاوردهای بسیاری را بدست آوردند (خرمیان، ۱۳۴۲).

دانشگاه‌ها، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت لوای نهادهای حاکمیتی چون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فعالیت می‌کنند. این نهادها موظف به رعایت مجموعه‌ای از قوانین مصوب مانند آیین‌نامه‌های آموزشی، مالی و استخدامی بوده و در ساختار سیاست‌گذاری، تابع نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیأت امنای دانشگاه‌ها و سازمان برنامه و بودجه هستند (رستمی، ۱۳۹۹، ص ۴۳). در مقابل، حوزه‌های علمیه - به‌ویژه حوزه علمیه قم - ساختاری مستقل از دولت دارند و مرجع سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در آن‌ها شورای عالی حوزه‌های علمیه و مرجعیت دینی است (نیک‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۷۱).

این تفاوت حقوقی موجب شده تا تفسیر از مفاهیمی چون «استقلال علمی»، «نظارت نهادی»، «سیاست‌گذاری آموزشی» و حتی «تولید علم بومی» در این دو نهاد متفاوت باشد. دانشگاه‌ها در چارچوب اسناد بالادستی همچون نقشه جامع علمی کشور، برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها عمل می‌کنند، حال آن‌که حوزه علمیه، به‌رغم تأکید بر بومی‌سازی علوم انسانی و ارتقای کیفیت پژوهش‌های دینی، در بسیاری از موارد خود را از این چارچوب‌ها مستقل می‌داند (صفایی، ۱۴۰۱، ص ۸۶). این افتراق حقوقی نه تنها در عرصه تئوریک بلکه در عمل نیز پیامدهایی به همراه داشته است. برای مثال، دانشگاه‌ها ملزم به پاسخ‌گویی رسمی به نهادهای نظارتی دولتی هستند، اما حوزه‌های علمیه عموماً از مکانیسم‌های درونی نظارت استفاده می‌کنند. همین موضوع گاهی باعث شکل‌گیری نوعی دوگانگی در سیاست‌گذاری آموزشی و تعارض در مأموریت‌های فرهنگی شده است (هاشمی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹). از سوی دیگر، مسئله تعامل یا تفکیک نهاد دانشگاه و حوزه همواره یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری نظام آموزشی کشور بوده است. در سال‌های نخست پس از انقلاب، ایده وحدت حوزه و دانشگاه به‌عنوان راهکاری برای اسلامی‌سازی دانش و تربیت نیروی انسانی متعهد

مطرح شد. با این حال، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که تحقق عملی این ایده با چالش‌هایی مواجه شده که بخشی از آن به نبود چارچوب حقوقی مشترک یا همگرا میان این دو نهاد بازمی‌گردد (عباسی، ۱۴۰۰، ص ۵۴).

نکته مهم دیگر، تفاوت در شیوه مدیریت منابع انسانی و مالی در دو نهاد است. در دانشگاه‌ها، انتصاب اعضای هیأت علمی، ارتقاء علمی، و پرداخت حقوق تابع قوانین مصوب و شفاف است، حال آن‌که در حوزه، بسیاری از این امور تابع مناسبات سنتی و اقتضائات فقهی است که قانون‌مند نشده‌اند (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۳۶). این تفاوت‌ها موجب بروز پرسش‌هایی درباره شفافیت، پاسخ‌گویی، و کارآمدی نهادی در حوزه‌های علمیه در مقایسه با دانشگاه شده‌اند. افزون بر آن، دانشگاه به‌عنوان یک نهاد آموزشی-تحقیقاتی در تعامل مستمر با نظام بین‌المللی علم و فناوری است و ساختار حقوقی آن به گونه‌ای طراحی شده که امکان برقراری ارتباط رسمی با دانشگاه‌های خارجی، شرکت در رتبه‌بندی‌های علمی، و جذب منابع مالی برون‌سازمانی را دارد. اما حوزه علمیه چنین سازوکار حقوقی تعریف‌شده‌ای ندارد، که این مسئله بر جایگاه بین‌المللی آن در نظام آموزش دینی و اسلامی نیز اثرگذار است (کاشانی، ۱۴۰۲، ص ۲۲). با توجه به آنچه گذشت، ضرورت دارد که جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه به‌صورت تطبیقی بررسی شود و آثار نهادی، آموزشی و حکمرانی آن تحلیل گردد. چنین مطالعه‌ای می‌تواند تصویری روشن از نقاط ضعف و قوت هر دو نهاد ارائه داده و راهکارهایی برای هم‌افزایی میان آن‌ها فراهم آورد. بر همین اساس، هدف اصلی این پژوهش عبارت است از:

تحلیل تطبیقی جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران و بررسی پیامدهای نهادی ناشی از این تفاوت‌ها.

این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش پیمایشی، بر اساس دیدگاه جامعه آماری شامل اعضای هیأت علمی رشته‌های حقوق، فقه و آموزش عالی و طلاب سطح سه و چهار حوزه‌های علمیه انجام خواهد شد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و نهادهای بالادستی آموزش عالی کشور در طراحی چارچوب حقوقی منسجم‌تر برای تعامل یا تفکیک کارکردی این دو نهاد کمک نماید. نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران به‌طور هم‌زمان بر دو نهاد تأثیرگذار و بنیادین استوار است: دانشگاه و حوزه علمیه. این دو نهاد، افزون بر وظیفه مشترک در آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، در سطح کلان فرهنگی و ارزشی نیز نقش راهبردی ایفا می‌کنند. با این حال، هر یک از این نهادها، از منظر جایگاه حقوقی، ساختار نهادی، منابع مشروعیت، و نسبت با دولت و قانون، مسیرهای متفاوتی را طی کرده‌اند. از یک‌سو، دانشگاه‌ها تحت ساختارهای رسمی و قانونی دولت، تابع مقررات مصوب مجلس و نهادهای حاکمیتی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، و هیأت‌های امانا هستند؛ اما در سوی دیگر، حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم، دارای ساختاری خودگردان، با مرجعیت فقهی مستقل، و اغلب فارغ از نظارت مستقیم دولت هستند. این دوگانگی ساختاری و حقوقی موجب بروز چالش‌های نهادی، تضاد در سیاست‌گذاری‌ها، نبود هماهنگی در اهداف تربیتی، و گاه تعارض در نظام ارزشی شده است (عباسی، ۱۴۰۰).

دغدغه اصلی در انتخاب این عنوان، فقدان یک تحلیل تطبیقی و نظام‌مند از جایگاه حقوقی این دو نهاد در نظام آموزش کشور است؛ تحلیلی که نه تنها تفاوت‌ها و شباهت‌های قانونی آن‌ها را بررسی کند، بلکه پیامدهای نهادی این تفاوت‌ها را

در سطح حکمرانی آموزش، استقلال نهادی، هم‌افزایی علمی، و سیاست‌گذاری فرهنگی تبیین نماید. پرسش بنیادینی که در قلب این پژوهش نهفته است، این است که:

«آیا تفاوت‌های حقوقی و ساختاری میان حوزه و دانشگاه موجب تضعیف کارایی نظام آموزشی و سردرگمی در مأموریت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی شده است یا می‌توان با شناخت این تفاوت‌ها به یک چارچوب همگرا و کارآمد دست یافت؟» یکی از دلایل کلیدی در انتخاب این موضوع، توجه به ضرورت روزآمدسازی نظام آموزشی کشور با حفظ ریشه‌های هویتی و دینی آن است. امروز، سیاست‌گذاران آموزش عالی، بیش از گذشته، با پرسش‌هایی مواجه هستند درباره اینکه چگونه می‌توان حوزه علمیه و دانشگاه را به‌عنوان دو نهاد مکمل، نه متقابل، بازتعریف کرد و آیا اساساً بستر حقوقی چنین هم‌افزایی‌ای فراهم است یا خیر. از سوی دیگر، اگرچه گفتمان «وحدت حوزه و دانشگاه» در طول چهار دهه اخیر همواره مطرح بوده، اما به‌نظر می‌رسد این ایده بیشتر از آنکه به‌صورت نهادی و حقوقی نهادینه شده باشد، در سطح شعار و فرهنگی باقی مانده است. یکی از دلایل اصلی این امر، نبود درک مشترک از جایگاه قانونی، وظایف، اختیارات و ساختارهای حکمرانی این دو نهاد بوده است (صفایی، ۱۴۰۱). این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ نظری و عملی، به دنبال پاسخ به این دغدغه است که چه تفاوت‌ها و تشابهاتی در جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه وجود دارد، این تفاوت‌ها چه پیامدهایی بر کارکردهای نهادی دارند، و چگونه می‌توان چارچوبی برای همگرایی یا همکاری ساختاری میان آن‌ها طراحی کرد. بنابراین، اهمیت این پژوهش در سه سطح قابل تبیین است:

۱. سطح نظری: ارائه تحلیلی تطبیقی از جایگاه حقوقی حوزه و دانشگاه به‌منظور رفع ابهامات مفهومی در ادبیات آموزش عالی و دینی.

۲. سطح نهادی: شناسایی آثار و پیامدهای عملی تفاوت‌های حقوقی بر سیاست‌گذاری و مدیریت آموزش عالی.

۳. سطح راهبردی: کمک به تدوین سیاست‌ها و مدل‌هایی برای تعامل، هم‌افزایی یا حتی تفکیک مسئولانه نهادهای آموزشی در ساختار جمهوری اسلامی ایران.

در مجموع، انتخاب این عنوان برآمده از یک دغدغه جدی نسبت به کارآمدی و انسجام ساختاری در نظام آموزش کشور و همچنین تلاش برای شفاف‌سازی رابطه حقوقی میان دو نهاد اثرگذار حوزه و دانشگاه در مسیر رشد علمی، فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی است.

در پژوهش‌های ناظر بر سیاست‌گذاری آموزش عالی و نهادهای آموزشی، چارچوب نظری نقش مهمی در تبیین ابعاد مفهومی و تحلیلی دارد. برای تحلیل جایگاه حقوقی دو نهاد حوزه علمیه و دانشگاه، یوسفی سعید ابادی (۱۴۰۲) در کتاب رویکردهای نهادی به نظام آموزش عالی ایران، با استفاده از نظریه نهادگرایی تاریخی، سیر سیاست‌گذاری در دو نهاد حوزه و دانشگاه را بررسی کرده و تأکید دارد که طراحی سیاست‌های یکپارچه نیازمند اصلاحات حقوقی است. نیک نژاد (۱۴۰۱) در کتاب مبانی حقوقی حوزه علمیه در نظام جمهوری اسلامی به بررسی تطورات حقوقی حوزه علمیه و رابطه آن با نهاد دولت پرداخته است. وی نشان می‌دهد که علی‌رغم تصریح اصل ۱۰۷ و ۱۱۰ قانون اساسی به نقش مرجعیت، هیچ سازوکار مشخصی برای پاسخ‌گویی و شفافیت نهادی حوزه تدوین نشده است. صفایی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل مقایسه‌ای استقلال نهادی در دانشگاه و حوزه علمیه به بررسی مفهومی «استقلال» در این دو نهاد پرداخته و نشان می‌دهد که در

دانشگاه‌ها استقلال بیشتر در چارچوب بودجه و انتصابات مطرح است، در حالی که حوزه، نوعی استقلال غیررسمی و فقهی دارد که با مدل‌های حکمرانی جدید قابل جمع نیست. عباسی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی موانع تحقق وحدت حوزه و دانشگاه از منظر حقوق نهادی، فقدان بسترهای حقوقی، ضعف در تفسیر مشترک از قانون، و تفاوت در منابع مشروعیت را از عوامل اصلی عدم تحقق هم‌افزایی نهادی می‌داند. محمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل وضعیت مدیریت منابع انسانی در حوزه و دانشگاه به این نتیجه رسید که شفافیت در انتصاب، ترفیع و حقوق در دانشگاه قابل مقایسه با حوزه نیست و این امر موجب بروز شکاف عملکردی شده است. کیم (۲۰۲۴) به تحلیل دو دانشگاه وابسته به دین در کره جنوبی (مرتبط با پروتستان‌ها و بودائی‌ها) پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند این مؤسسات دارای مأموریت نهادی ویژه‌ای هستند که دین را در چارچوب ارزش‌های مدرن تعلیم و حکمرانی دانشگاه ادغام می‌کنند. این مدل، در تطبیق میان حوزه دینی و دانشگاهی در ایران قابل بهره‌برداری است. آجانی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی درباره مواجهه با قالب‌های حقوقی غربی و نیاز تطبیق آن با مؤسسات محلی (نظیر مؤسسات دینی و آموزشی در کشورهای آسیایی) تأکید دارند که بازتولید مدل‌های غربی بدون توجه به بافت بومی، مشروعیت نهادی را زیر سؤال می‌برد. این دیدگاه، مبنای یکی از ابعاد مدل مفهومی پژوهش درباره مشروعیت حقوقی و استقلال نهادی است. مطالعه دیگر در (۲۰۲۳) درباره احیای وقف در آموزش عالی کشورهای آسیایی (اندونزی، مصر، ترکیه، سنگاپور و مغرب) نشان می‌دهد نهادهای دینی با استفاده از منابع وقف، نوعی جایگاه رسمی در آموزش عالی دارند بدون وابستگی مستقیم به دولت؛ این تجربه شباهت‌هایی با وضعیت حوزه در ایران دارد که می‌تواند جنبه‌های تأمین مالی و استقلال حقوقی را در مدل مفهومی پژوهش تکمیل کند. هندگ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی ساختارهای آموزش عالی دینی در دانشگاه‌های دولتی مالزی و ترکیه پرداختند. این مطالعه نشان داد که جایگاه نهاد دینی در دانشگاه‌های مالزی مستقر و با سازوکارهای ملی تطبیق‌پذیر است، در حالی که در ترکیه، فقدان چارچوب رسمی موجب ابهام در مأموریت و هدفگذاری این نهادها شده است؛ بحث‌هایی که مستقیماً با مسأله پژوهش ما—نسبت قانونی و ساختاری حوزه با دانشگاه ارتباط دارد. مطالعات فوق نشان می‌دهند: بسیاری از نظام‌های اسلامی و کشورهای با اکثریت مسلمان در حال تجربه مدل‌های ترکیبی یا تفکیکی میان نهاد آموزش دینی و دانشگاه هستند، با تأکید بر چارچوب‌های حقوقی مشخص (مالزی، ترکیه، اندونزی) دانشگاه‌های وابسته به دین در برخی کشورها، مانند کره جنوبی، از طریق ترکیب مأموریت مذهبی و ساختار مدرن، الگویی برای تعامل حقوقی-نهادی می‌سازند که قابل تطبیق در حوزه پژوهش ایران است. آثار حقوقی و تاریخی وابستگی یا استقلال نهاد دینی به دولت در مشروعیت و کارکرد نهادهای علمی مؤثر است؛ مسئله‌ای که در مدل مفهومی پژوهش بازتاب یافته است

روش شناسی

این پژوهش کیفی تطبیقی است که با استفاده از تحلیل محتوای حقوقی-نهادی و رویکرد مطالعه موردی تطبیقی انجام می‌گیرد. هدف اصلی آن تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری و حقوقی دو نهاد «حوزه علمیه» و «دانشگاه» در ایران و تحلیل پیامدهای نهادی آن‌ها در سطح سیاست‌گذاری و حکمرانی آموزش عالی است. رویکرد پژوهش، نهادی-تحلیلی با تأکید بر پارادایم تفسیری است. این رویکرد کمک می‌کند تا قواعد رسمی (قوانین، آیین‌نامه‌ها، اسناد بالادستی) و قواعد غیررسمی (تفسیرهای عرفی، تاریخی و ارزشی) در دو نهاد تحلیل شده و پیامدهای ساختاری آن‌ها در نظام آموزش عالی شناسایی گردد. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد رسمی، قوانین و مقررات مربوط به حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در

جمهوری اسلامی ایران، همچنین دیدگاه‌های نخبگان آموزشی و حقوقی است. واحد تحلیل پژوهش عبارت است از: اسناد رسمی حقوقی (قانون اساسی، سیاست‌های کلی، اساسنامه‌ها)، اسناد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان در آموزش عالی و علوم دینی، مصاحبه‌های تخصصی با خبرگان، ابزار گردآوری داده‌ها شامل، ابزار اول: تحلیل اسناد، تحلیل محتوای کیفی اسناد رسمی با هدف استخراج مؤلفه‌های حقوقی، نهادی و ساختاری در خصوص حوزه علمیه و دانشگاه. این اسناد شامل: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری، اساسنامه‌های دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه (مانند اساسنامه جامعه المصطفی)، آیین‌نامه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی، روش کدگذاری متن‌ها به صورت قیاسی-استقرایی خواهد بود، با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA برای مدیریت و تحلیل داده‌های متنی. ابزار دوم: مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، جهت تکمیل و غنای تحلیل اسناد، از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با نخبگان آموزشی، حقوقی، حوزوی و دانشگاهی استفاده می‌شود. این مصاحبه‌ها با نمونه‌ای هدفمند (حدود ۱۵ نفر) از افراد ذیل صورت می‌گیرد:

اساتید آموزش عالی و آموزش دینی، حقوق‌دانان آموزش‌محور، مدیران دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، صاحب‌نظران شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و سپس با روش تحلیل مضمون تحلیل خواهند شد. اعتبار اسنادی با استفاده از مقایسه چندمنبعی و ارجاع متقابل انجام می‌شود. پایایی داده‌ها در تحلیل محتوای اسناد از طریق بازکدگذاری توسط پژوهشگر دوم تأمین می‌شود. روایی محتوایی مصاحبه‌ها از طریق بازبینی مجدد توسط مصاحبه‌شونده‌ها و بازخوانی توسط خبرگان تضمین می‌شود. تحلیل داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل مضمون با تأکید بر رویکرد مقایسه‌ای-نهادی انجام می‌پذیرد. داده‌های گردآوری‌شده از اسناد رسمی و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته پس از مرحله کدگذاری، با هدف استخراج شباهت‌ها و تفاوت‌ها در جایگاه حقوقی و کارکرد نهادی حوزه علمیه و دانشگاه تحلیل می‌شوند.

جدول ۱. تحلیل مقایسه‌ای مضمون‌ها

ردیف	مضمون کلیدی	حوزه علمیه	دانشگاه	پیامد نهادی (نتیجه تحلیل)
۱	مبنای مشروعیت معرفتی	اجتهاد، فقه، سنت دینی	علم تجربی، معیارهای بین‌المللی	دوگانه علم/دین منجر به شکاف در حکمرانی دانش و عدم وحدت رویه در سیاست‌گذاری علمی شده است.
۲	مرجع سیاست‌گذاری آموزشی	شورای مدیریت حوزه، مراجع تقلید	وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی	استقلال حوزه در سیاست‌گذاری، در مقابل وابستگی دانشگاه به نهادهای دولتی دیده می‌شود.
۳	استقلال نهادی	استقلال کامل از دولت؛ خودگردان	وابسته به دولت؛ بودجه عمومی	استقلال حوزه مزیت انعطاف در تصمیم‌گیری دارد؛ اما دانشگاه نیازمند پاسخگویی دولتی است.
۴	نظام نظارت و ارزیابی	نظارت فقهی و درون‌نهادی	نظارت سازمانی (وزارت علوم، دیوان محاسبات)	تفاوت در شفافیت و پاسخ‌گویی؛ دانشگاه با الزامات قانونی مواجه است، حوزه کمتر پاسخ‌گوست.

۵	الگوی تأمین مالی	کمک‌های مردمی (وجوه شرعی)، موقوفات	بودجه دولتی، قراردادهای پژوهشی	پایداری مالی حوزه به صورت سنتی است، اما از نظر شفافیت و گزارش‌دهی کمتر قابل ارزیابی است.
۶	الگوی استخدام و جذب نیرو	انتخاب توسط مراکز حوزوی، بر پایه اجتهاد	آزمون‌ها و فرآیندهای ملی جذب اعضای هیأت علمی	سیستم جذب در دانشگاه شفاف‌تر و قانون‌مندتر، اما کمتر منعطف در گزینش فرهنگی است.
۷	سطح تعامل با دولت	رابطه همکارانه/نقادانه از موضع استقلال	زیرمجموعه ساختار رسمی دولت	تفاوت در نقش‌آفرینی در قدرت رسمی و غیرفرمال در نظام سیاسی آموزشی کشور دیده می‌شود.
۸	نقش در تولید علم بومی	تمرکز بر علوم انسانی اسلامی، فقه، اصول	تمرکز بر علوم کاربردی، فناوری، علوم پایه	حوزه در بومی‌سازی علوم انسانی پیش‌تاز است؛ دانشگاه در تولید علم جهانی پیشگام‌تر است.
۹	تعامل بین‌المللی	محدود، عمدتاً در قالب جامعه‌المصطفی	فعال، با شبکه‌های علمی و رتبه‌بندی‌های جهانی	دانشگاه در دیپلماسی علمی فعال‌تر است؛ حوزه در انتقال معرفت دینی به جهان اسلام فعال است.
۱۰	موقعیت در اسناد کلان علمی کشور	به‌عنوان نهاد دینی مؤثر در سند تحول آموزش	نقش محوری در نقشه جامع علمی کشور	اسناد کلان از هر دو نهاد حمایت می‌کنند؛ اما یکپارچه‌سازی نقش‌ها همچنان چالشی باقی‌مانده است.

تحلیل تطبیقی مضمون‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های ساختاری، مفهومی و حکمرانی میان حوزه علمیه و دانشگاه، به شکاف نهادی و کاهش اثربخشی سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی منجر شده است. پیامد این گسست نهادی، ضعف در تحقق وحدت علم و دین، پراکندگی در سیاست‌گذاری آموزشی، و چالش در طراحی مدل جامع حکمرانی دانش در ایران است.

یافته‌ها

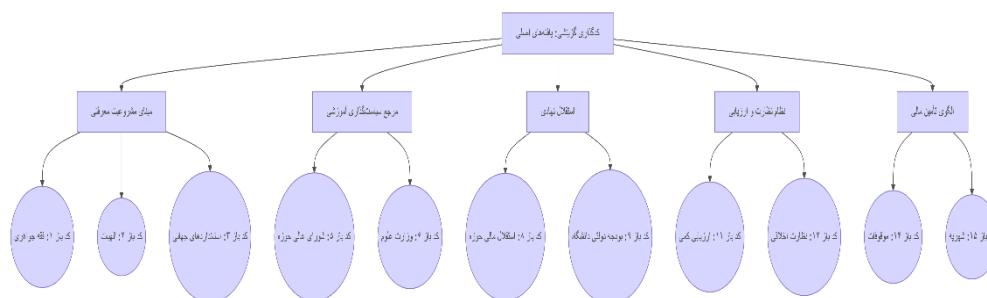
در این بخش، یافته‌های پژوهش «تحلیل تطبیقی جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای نهادی آن» بر اساس روش کیفی و با استفاده از تحلیل مضمون و چارچوب تحلیل مکس کیودا (MAXQDA) ارائه می‌گردد. داده‌های گردآوری شده شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دارای رشته حقوق، فقه و آموزش عالی، و همچنین طلاب سطح عالی از مراکز حوزوی قم و مشهد بوده است. پس از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ده مضمون اصلی از متن‌ها استخراج شد که در جدول بالا آمده‌اند. در اینجا، یافته‌ها به تفکیک مضامین و با تأکید بر تحلیل تطبیقی ارائه می‌شوند:

در نظام آموزشی ایران، دو نهاد حوزه علمیه و دانشگاه به عنوان مراکز اصلی تولید دانش و تربیت نیروی انسانی فعالیت می‌کنند. این دو نهاد، با وجود اشتراکات تاریخی و فرهنگی، از نظر مبانی معرفتی، ساختار مدیریتی، الگوی تأمین مالی و تعامل با نهادهای حکومتی تفاوت‌های بنیادینی دارند. حوزه‌های علمیه، ریشه در سنت اجتهادی شیعه داشته و مشروعیت خود را از فقه جواهری، الهیات و منابع دینی می‌گیرند، در حالی که دانشگاه‌ها بر استانداردهای علمی جهانی و عقلانیت

مدرن استوارند. این تفاوت‌ها منجر به چالش‌های همگرایی در سیاست‌گذاری آموزشی، تولید علم بومی و تعامل بین‌المللی شده است. بررسی این دوگانگی از طریق تحلیل کیفی و کدگذاری داده‌ها نشان می‌دهد که استقلال نهادی حوزه، نظام نظارتی غیرمتمرکز و الگوی مالی مبتنی بر موقوفات، آن را از دانشگاه متمایز می‌کند. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها به دلیل وابستگی به بودجه دولتی و تبعیت از اسناد بالادستی، انعطاف‌پذیری کمتری در سیاست‌گذاری دارند. این پژوهش با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی به تحلیل این تفاوت‌ها پرداخته و راهکارهایی برای هم‌افزایی این دو نهاد ارائه می‌دهد.

جدول ۲. کدگذاری داده‌ها

ردیف	کدگذاری باز (شماره‌گذاری مجزا و متوالی)	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (یافته‌های اصلی)
۱	تعریف دانش بر اساس فقه جواهری و سنت اجتهادی شیعه (۱)، استناد به الهیات و اصول دینی در حوزه (۲)، مشروعیت دانشگاه بر اساس (۴) استانداردهای علمی جهانی (۳)، تعارض ناشی از دوگانگی معرفتی	نظام معرفتی	مبنای مشروعیت معرفتی ۱.
۲	سیاست‌گذاری حوزه تحت نظارت شورای عالی حوزه و مراجع تقلید (۵)، تبعیت دانشگاه از وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی (۶)، تقابل (۷) روشی در علوم انسانی	ساختار سیاست‌گذاری	مرجع ۲. سیاست‌گذاری آموزشی
۳	استقلال مالی و مدیریتی حوزه (۸)، وابستگی دانشگاه به بودجه دولتی (۱۰) (۹)، تأثیر استقلال بر هویت دینی حوزه	استقلال نهادی	استقلال نهادی ۳.
۴	نظارت ساختاری و ارزیابی دولتی در دانشگاه (۱۱)، نظارت اخلاقی و (۱۳) مبتنی بر اعتماد در حوزه (۱۲)، شکاف در شفافیت و پاسخ‌گویی	نظام نظارتی	نظام نظارت و ۴. ارزیابی
۵	تأمین مالی حوزه از طریق وجوهات شرعی و موقوفات (۱۴)، تأمین مالی دانشگاه از بودجه دولتی و شهریه (۱۵)، تأثیر تفاوت مالی بر پایداری نهادی (۱۶)	الگوی مالی	الگوی تأمین مالی ۵.
۶	جذب نیرو در حوزه بر اساس سطح علمی و اجتهاد (۱۷)، جذب در دانشگاه از طریق فراخوان عمومی و آزمون (۱۸)، شفافیت بیشتر اما (۱۹) انعطاف کمتر در دانشگاه	الگوی جذب نیرو	الگوی استخدام و ۶. جذب نیرو
۷	تعامل مستقل حوزه با دولت (۲۰)، دانشگاه به عنوان بخشی از بدنه (۲۲) دولت (۲۱)، تأثیر تفاوت تعامل بر تصمیم‌گیری آموزشی	رابطه با دولت	سطح تعامل با ۷. دولت
۸	تولید علوم انسانی اسلامی و فقه حکومتی در حوزه (۲۳)، تمرکز دانشگاه (۲۵) بر علوم تجربی و فناوری جهانی (۲۴)، شکاف در الگوی تولید علم	تولید علم	نقش در تولید علم ۸. بومی
۹	تعامل دانشگاه با رتبه‌بندی‌های جهانی (۲۶)، فعالیت حوزه در چارچوب (۲۸) فرهنگی-دینی (۲۷)، عدم شکل‌گیری زبان علمی مشترک	تعامل بین‌المللی	تعامل بین‌المللی ۹.
۱۰	حضور هر دو نهاد در اسناد بالادستی (۲۹)، عدم تحقق هم‌افزایی در اجرا (۳۱) (۳۰)، ضرورت تلفیق مأموریت‌ها	جایگاه در اسناد کلان	موقعیت در اسناد ۱۰. کلان علمی کشور



نمودار ۱. ارتباط بین کدهای محوری و گزینی

۱. تفاوت در مبانی مشروعیت معرفتی

یکی از عمیق‌ترین تفاوت‌های بین حوزه و دانشگاه، منبع مشروعیت آن‌هاست. حوزه‌های علمیه بر نظام فقهی-کلامی شیعه متکی هستند و دانش را در چارچوب نصوص دینی و اجتهاد تعریف می‌کنند (کدهای باز ۱ و ۲). در مقابل، دانشگاه‌ها مشروعیت خود را از علم سکولار و استانداردهای بین‌المللی می‌گیرند (کد ۳). این تفاوت، منجر به تقابل پارادایمی در علوم انسانی شده است؛ به طوری که گاه دیدگاه‌های حوزه در تقابل با نظریه‌های رایج در دانشگاه قرار می‌گیرد (کد ۴).

۲. ساختار سیاست‌گذاری و استقلال نهادی

حوزه‌های علمیه تحت نظارت مراجع تقلید و شورای عالی حوزه اداره می‌شوند و از استقلال مالی و مدیریتی بالایی برخوردارند (کدهای ۵ و ۸). این استقلال باعث شده تا حوزه در بسیاری از موارد، خارج از چارچوب سیاست‌های دولتی عمل کند. در مقابل، دانشگاه‌ها تابع وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت‌های امنای دولتی هستند (کد ۶). این وابستگی، انعطاف‌پذیری دانشگاه را در طراحی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی محدود کرده است (کد ۷).

۳. نظام نظارتی و پاسخ‌گویی

نحوه نظارت در این دو نهاد نیز کاملاً متفاوت است. در دانشگاه‌ها، نظارت به صورت متمرکز و مبتنی بر شاخص‌های کمی انجام می‌شود (کد ۱۱)، در حالی که حوزه بیشتر بر نظارت اخلاقی و خودتنظیمی تکیه دارد (کد ۱۲). این تفاوت، گاه منجر به کاهش شفافیت و پاسخ‌گویی در حوزه می‌شود (کد ۱۳)، اما از سوی دیگر، فضای دانشگاه را به سمت بوروکراسی سنگین سوق داده است.

۴. الگوی تأمین مالی و تأثیر آن بر پایداری نهادی

حوزه‌های علمیه عمدتاً از طریق وجوهات شرعی، موقوفات و کمک‌های مردمی تأمین مالی می‌شوند (کد ۱۴)، که به آن‌ها استقلال مالی می‌دهد. اما دانشگاه‌ها به بودجه دولتی و شهریه دانشجویان وابسته‌اند (کد ۱۵). این وابستگی، دانشگاه‌ها را در برابر تغییرات سیاسی و اقتصادی آسیب‌پذیر کرده است (کد ۱۶).

۵. تعامل با دولت و جامعه بین‌المللی

حوزه معمولاً از موضعی مستقل با دولت تعامل می‌کند و گاه به نقد سیاست‌های آن می‌پردازد (کد ۲۰)، در حالی که دانشگاه بخشی از ساختار حکومتی محسوب می‌شود (کد ۲۱). در سطح بین‌المللی نیز دانشگاه‌ها از طریق رتبه‌بندی‌های جهانی و دیپلماسی علمی فعالیت می‌کنند (کد ۲۶)، اما حوزه بیشتر بر روابط فرهنگی-دینی با جهان اسلام متمرکز است (کد ۲۷). این تفاوت‌ها باعث شده تا همکاری مشترک حوزه و دانشگاه در عرصه جهانی به حداقل برسد (کد ۲۸).

یافته‌های فوق نشان می‌دهد که با وجود آنکه حوزه علمیه و دانشگاه هر دو در نظام آموزشی جمهوری اسلامی نقش حیاتی دارند، اما فقدان انسجام نهادی، تفاوت در مبانی معرفتی و تفاوت در سطح تعامل با دولت، مانع از تحقق یکپارچگی در حکمرانی آموزشی کشور شده است. به بیان دیگر، بدون طراحی سازوکارهای تلفیقی، شناخت متقابل و توسعه ظرفیت‌های گفت‌وگو محور، نظام آموزشی کشور در مواجهه با چالش‌های آینده دچار نوعی دوگانگی و واگرایی نهادی خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی جایگاه حقوقی حوزه علمیه و دانشگاه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران انجام شد. یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم اشتراک این دو نهاد در مأموریت‌های علمی، فرهنگی و تربیتی، از حیث ساختار حقوقی، نظام حکمرانی، مبنای مشروعیت معرفتی، و تعامل با نهادهای حاکمیتی تفاوت‌های اساسی دارند. این تفاوت‌ها نه تنها بر کیفیت و جهت‌گیری آموزش عالی کشور تأثیرگذار است، بلکه در سطح کلان، پیامدهایی نهادی در زمینه هماهنگی سیاست‌های علمی، تولید علم بومی، و تحقق اهداف گفتمان انقلاب اسلامی در پی دارد. از منظر حقوقی، حوزه علمیه نهادی است که مبتنی بر سنت فقهی، مرجعیت دینی، و استقلال تاریخی خود عمل می‌کند. اگرچه پس از انقلاب اسلامی، حمایت‌های دولتی از حوزه تقویت شد و نهادی چون «شورای عالی حوزه‌های علمیه» شکل گرفت، اما این نهاد همچنان از شمول بسیاری از قوانین عام دولتی خارج است. به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان: حوزه، نه نهاد عمومی غیردولتی است و نه سازمان دولتی؛ بلکه نهادی است با ساختار سنتی که در چهارچوب اصول شرعی عمل می‌کند» در مقابل، دانشگاه نهادی است که بر اساس قانون اساسی، قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، آیین‌نامه‌های دولتی، و اسناد بالادستی چون نقشه جامع علمی کشور تعریف شده است. از این رو، دانشگاه دارای شخصیت حقوقی مشخص، تابع نظام استخدامی دولت، و مشمول نهادهای نظارتی چون دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور است. این ساختار حقوقی سبب شده دانشگاه بیشتر از حوزه، به اصول حکمرانی رسمی و پاسخگویی نهادی متصل باشد. این تفاوت بنیادین در جایگاه حقوقی، پیامدهای متعددی برای نظام آموزشی به همراه دارد. نخست، مانع ایجاد هماهنگی در سیاست‌گذاری علم و آموزش در سطح کلان می‌شود. دوم، موجب دوگانگی در معیارهای ارزیابی، اعتبارسنجی و تولید دانش می‌شود. سوم، مسیر تعاملات بین‌المللی علمی را دچار پراکندگی می‌کند، چرا که دانشگاه باید بر اساس مقررات دیپلماسی علمی رسمی عمل کند، ولی حوزه در چارچوب ارتباطات فرهنگی و دینی سنتی حرکت می‌کند. پیامدهای نهادی این دوگانگی حقوقی و عملکردی را میتوان در موارد زیر ارائه داد:

یکی از اهداف اساسی نظام جمهوری اسلامی، تحقق «علوم انسانی اسلامی» و تولید علم بومی بوده است. با این حال،

یافته‌های پژوهش نشان داد که به دلیل فقدان سازوکارهای نهادی یکپارچه میان حوزه و دانشگاه، این هدف به طور کامل محقق نشده است. به بیان یکی از اعضای هیأت علمی رشته فقه: ما می‌توانیم با مشارکت دانشگاه و حوزه، نظریه‌پردازی کنیم، اما نبود چارچوب حقوقی مشترک، تعامل‌ها را سطحی کرده است». در اسناد کلان مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یا نقشه جامع علمی کشور، به لزوم مشارکت حوزه در نظام آموزشی کشور تأکید شده است. با این حال، در عمل، ساختار حکمرانی آموزشی، دانشگاه‌محور باقی مانده است و حوزه بیشتر نقش مشورتی دارد. این وضعیت باعث شکاف در فرآیند سیاست‌گذاری، استانداردسازی و مدیریت منابع انسانی شده است. از آنجا که دانشگاه تحت نظارت رسمی است ولی حوزه نظارت خودکنتر و اخلاقی دارد، در مواقعی چون ارزیابی عملکرد اساتید، تخصیص بودجه، یا تدوین محتوای آموزشی، معیارهای ناهماهنگ ایجاد شده که زمینه تضاد در تصمیم‌گیری را فراهم کرده است. یافته‌های تحلیل مضمون نشان داد که طلاب سطح عالی و اساتید دانشگاهی، درک‌های متفاوتی از معیارهای علمی و ارزشی دارند. این امر باعث شده گفت‌وگوهای علمی میان دو نهاد، به جای هم‌افزایی، گاه دچار بی‌اعتمادی و گسست فرهنگی شود. به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند فلسفه، علوم اجتماعی، روان‌شناسی و آموزش، این گسست بیشتر نمود یافته است. حوزه‌های علمیه ظرفیت بالایی برای برقراری ارتباط با کشورهای اسلامی دارند. دانشگاه‌ها نیز در رتبه‌بندی‌ها و پروژه‌های علمی جهانی مشارکت دارند. اما به دلیل ساختارهای حقوقی و مأموریتی متفاوت، این دو ظرفیت به صورت تلفیقی به کار گرفته نمی‌شود و ایران فرصت شکل‌دهی به الگوی دیپلماسی علمی-دینی تلفیقی را از دست می‌دهد. در یک نظام آموزشی جامع و پیشرو، تداوم دوگانگی ساختاری و حقوقی میان دو نهاد اصلی تولید علم و فرهنگ، یعنی حوزه و دانشگاه، می‌تواند تهدیدی برای انسجام علمی و هویتی کشور باشد. لازمه حکمرانی موفق آموزشی در جمهوری اسلامی ایران، طراحی نهادهای پیونددهنده، حقوقی‌سازی روابط نهادی، و ارتقای فرهنگ گفت‌وگو میان حوزه و دانشگاه است. بدون این گام‌ها، نظام آموزشی همچنان دچار شکاف گفتمانی و ناکارآمدی راهبردی خواهد ماند. تفاوت‌های ساختاری بین حوزه علمیه و دانشگاه در ابعاد حقوقی، حکمرانی، نظارت، مأموریت‌ها، منابع مالی و معرفت‌شناسی، منجر به چالش‌های نهادی عمیقی شده است. حوزه با استقلال تاریخی و اتکا به سنت‌های فقهی، فاقد پیوند رسمی با ساختار دولتی است، در حالی که دانشگاه به‌عنوان بخشی از نظام حکومتی، تابع قوانین متمرکز عمل می‌کند. این شکاف، هماهنگی در سیاست‌گذاری آموزشی را مختل کرده است. از سوی دیگر، تفاوت در مکانیسم‌های نظارتی (درونی در حوزه VS بیرونی در دانشگاه) و منابع مالی (وجوهات شرعی VS بودجه دولتی)، موجب ناهمگونی در معیارهای ارزیابی و رفاه نیروی انسانی شده است. همچنین، دوگانگی معرفتی بین دانش دینی و علوم تجربی، مانع از تولید علم بومی یکپارچه گردیده است. در سطح بین‌المللی نیز، حوزه با تمرکز بر ارتباطات دینی و دانشگاه با دیپلماسی علمی، فرصت‌های همکاری مشترک را از دست داده‌اند. برای رفع این چالش‌ها، تدوین سازوکارهای مشترک در سیاست‌گذاری، نظارت و تعامل جهانی ضروری است تا هم‌افزایی این دو نهاد محقق شود.

منابع

- خرمیان، سیده زهرا. (۱۴۰۲). نقش اساسی حوزه‌های علمیه در تحقق علم و پژوهش. اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روان‌شناسی و برنامه‌ریزی آموزشی
 رستمی، محمدحسین. (۱۳۹۹). ساختار حقوقی دانشگاه‌های دولتی در ایران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 رودی، حمیدرضا، رودی، رقیه. (۱۳۸۷). جایگاه حوزه و دانشگاه در تحقق نهضت تولید علم. در همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی
 صفایی، محمدرضا. (۱۴۰۱). تحلیل مقایسه‌ای استقلال نهادی در دانشگاه و حوزه علمیه. فصلنامه حقوق عمومی اسلامی، ۸(۲)، ۷۵-۹۵.
 عباسی، سیدکاظم. (۱۴۰۰). حقوق نهادهای آموزشی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.
 کاشانی، رضا. (۱۴۰۲). چالش‌های بین‌المللی‌سازی حوزه‌های علمیه. قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
 محمدی، ناصر. (۱۳۹۷). تحلیل وضعیت مدیریت منابع انسانی در حوزه و دانشگاه. فصلنامه مطالعات آموزش عالی اسلامی، ۵(۱)، ۲۵-۴۵.
 نیک‌نژاد، مهدی. (۱۴۰۰). مبانی حقوقی حوزه علمیه در نظام جمهوری اسلامی. تهران: مؤسسه آموزش عالی امام صادق (ع).
 هاشمی، سیدرضا. (۱۳۹۸). نقش ساختار حقوقی در ناکامی وحدت حوزه و دانشگاه. پژوهش‌نامه آموزش اسلامی، ۴(۳)، ۹۵-۱۱۵.
 یوسفی سعید آبادی، رضا. (۱۴۰۲). رویکردهای نهادی به نظام آموزش عالی ایران. علیم نور
- Bayat, A. (2023). Knowledge production and religious authority: A sociological analysis of seminaries and universities in the Islamic Republic. *Iranian Studies*, 56(1), 12–35.
- Farasatkah, M. (2020). The challenges of higher education policy-making in Iran: An institutional perspective. *International Journal of Educational Development*, 74, 102209.
- Gholami, R. (2022). Faith and Education in Iran: Navigating Between Sharia and Modernity. *Religions*, 13(6), 524
- Muth, C. (2022). Houses of Wisdom: A Comparative Study of the Najaf and Qom Seminaries. *Journal of Theta Alpha Kappa*, 46(2), 53–62.
- Rahimi, A., & Karimi, M. (2021). Legal foundations of religious education and secular universities in Iran: A comparative review. *Journal of Islamic and Middle Eastern Studies*, 45(3), 210–228.
- UNESCO Institute for Statistics. (2023). Country profile: Higher education in Iran. Paris: UNESCO. Retrieved from